

# رویه انتخابات پنجراهی



تهیه و تنظیم: مجتبی سلطانی / کارشناس ارشد ارتباطات

## اشاره

وضعیت کنونی انتخابات ریاست

جمهوری و صف آرای کاندیداها به گونه‌ای است که تفاوتی فاحش با دوره‌های گذشته دارد. برگزیدن از میان افرادی که هر یک نقاط قوت و وضعی دارند، کار دشواری است. در این نوشته تلاش شده است تا ضمن بررسی شرایط مطلوب برای یک رئیس جمهور، نحوه رسیدن به یک انتخاب صحیح نیز مطرح شود.

طرح دیدگاه‌های تنی چند از اساتید حوزه و دانشگاه پیرامون کاندیدای اصلح نهمین انتخابات ریاست جمهوری در راه است. گذر از دوره‌های سازندگی و توسعه سیاسی، اکنون مردم را در آغاز دوره جدید قرار داده است؛ دوره‌ای که عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر و تبعیض و فساد و حل مشکلات معیشتی، از مهم‌ترین نیازهای آن به شمار می‌رود.

این که چه کسی می‌تواند در اوضاع کنونی، سکاندار خوبی برای کشتی نظام باشد، پرسشی است که ذهن بسیاری از انتخاب‌کنندگان، به ویژه جوانان را به خود مشغول کرده است. بدون تردید ابعاد گسترده وظایف و اختیارات رئیس جمهور در طول دوره چهار ساله آن و تأثیراتی که بر آینده کشور خواهد گذاشت، این انتخاب را بسیار حساس و دشوار کرده است. این که هر کس بتواند به راحتی از میان کاندیداها موجود صالح‌ترین را برگزیند، توقع دشواری است؛ چرا که هیچ کس در تمامی زمینه‌ها صاحب نظر و اهل تشخیص نیست. از این رو در این نوشته سعی شده است تا با طرح دیدگاه برخی صاحب نظران در حوزه و دانشگاه و بررسی ابعاد گوناگون وظایف و اختیارات رئیس جمهور امکان بررسی بیش‌تر و انتخابی مطلوب‌تر فراوری خوانندگان گرامی قرار گیرد. امید آن که بتواند در این انتخاب حساس، راه‌گشا باشد.

فردی، باندی و جناحی کند. اگر چه رأی بیاورد، باز هم بازنده است. به علاوه وقتی کسی که هنوز در این عرصه انتخاب نشده، منافع نظام را قربانی منافع خود می‌کند، مسلماً در صورت انتخاب، کشور را به بیگانه می‌فروشد.

۲. باید در انتخاب دقت کرد و گزینه‌ای را برگزید که اولاً دغدغه دین داشته باشد، چون می‌خواهد رئیس‌جمهور ملتی بشود که مسلمانند و دغدغه دین دارند. ثانیاً در حوزه دین‌باوری، در رأس هم‌تس حل مشکلات مردم باشد. در این عرصه شعار ندهد، بلکه برنامه عرضه کند. نگوید مشکل تو را حل می‌کنم؛ که این شعار آسان است، بگوید چگونه حل می‌کند. ثالثاً همکاران کلیدی‌اش را معرفی کند تا انتخاب‌کنندگان ببینند همکاران رئیس‌جمهوری که برمی‌گزینند چه کسانی هستند. رابعاً در عمل ولایت مداری خویش را به اثبات رسانده باشد، زیرا ولایت فقیه بود که با همراهی مردم این انقلاب را پدید آورد و همین عامل تداوم بخشی انقلاب است. انتخاب‌کنندگان می‌توانند ویژگی‌های ذکر شده را در کاندیدای خود از راه بررسی عملکرد گذشته و پیشینه سیاسی، تبلیغات انتخاباتی و رجوع به نخبگان این عرصه احراز کنند. توجه به این نکته نیز ضروری است که بیگانگان چه کاندیدایی را مطلوب می‌دانند. هر کاندیدایی را که آن‌ها به او دل بسته باشند و از او تجلیل کنند، عنصر نامطلوبی است. این واقعیتی است که از عملکرد ۲۵ ساله بیگانگان استفاده می‌شود.



حجت الاسلام و المسلمین سیداحمد خاتمی - عضو هیأت رئیسه خبرگان رهبری با بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس در حوزه علمیه و صاحب‌کتاب‌هایی چون: سیره سیاسی امیرالمؤمنین (ع)، مدیریت از نگاه قرآن و حدیث، رسالت خواص، سیمای نفاق در قرآن و...

## بیگانه چودلبسته مابود

انتخابات ریاست‌جمهوری از آن جهت که انتخاب مدیر اجرایی کشور است و سپردن زمام تمام امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی کشور به یک فرد محسوب می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. به علاوه، با توجه به شرایط حساس کنونی، باید دقتی بیش از سایر انتخابات‌ها معمول داشت. این دقت باید در این عرصه‌ها صورت گیرد:

۱. همت تمامی کاندیداها، هواداران‌شان و فعالان سیاسی و چهره‌های تأثیرگذار در انتخابات بر حضور حداکثری مردم باشد و دیگر مسائل را تحت الشعاع این اصل قرار دهند. در واقع این می‌تواند خود، محکی برای ارزیابی میزان دلسوزی کاندیداها برای نظام باشد. اگر کاندیدایی در این عرصه منافع فردی و جناحی خود را تحت الشعاع منافع نظام قرار دهد، چه رأی بیاورد و چه نیاورد، برنده است و اگر کاندیدایی در این عرصه، منافع نظام را فدای منافع



**حجت‌السلام و المسلمین حسن ممدوحی**  
 با بیش از ۳۰ سال سابقه تدریس در حوزه علمیه، صاحب کتاب‌هایی چون: **شهود و شناخت، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام، حکمت حکومت فقیه، تثبیت نظام ولایت فقیه و...**

## ده پیش شرط برای یک کاندیدا

در نظام جمهوری اسلامی شخصیتی که بتواند مدیریت کند، با شخصیت‌های هم‌تای خود در سایر نظام‌های سیاسی عالم متفاوت است. در سایر نظام‌ها اگر کسی بتواند منافع طبیعی و دنیایی را خوب تشخیص دهد، یک رئیس‌جمهور ایده‌آل است. حال به هروسيله مثل جنگ، سیاست‌های غلط و یا غارت ملل مستضعف باشد. در نظام اسلامی، این کافی نیست و باید چند شخصیت بارز درم ادغام شود تا رئیس‌جمهور ایده‌آل اسلامی را بسازد.

۱. شخصیت الهی داشته باشد. خداترس و خداشناس و به معنای واقعی متدین باشد.
۲. دارای شخصیت ذاتی و رشد شخصیتی باشد؛ یعنی هیچ شخصیتی نتواند به او ضربه بزند و در مقابل هیچ کس احساس کوچکی نکند.
۳. ترسو نباشد، در عین حال متهور هم نباشد.
۴. به سیاست‌های جهانی آگاه باشد.
۵. فریب ظاهرسازی‌ها را نخورد و دست افراد را به خوبی بخواند. اگر ما دست دشمن را به خوبی بخوانیم، هیچ سلطه‌ای بر ما نخواهد یافت. اگر نقشه‌های پنهان دشمنان را بشناسیم، راه سلطه‌ای باقی نخواهد ماند.
۶. خود را مرتبط با جهان اسلام بداند و علاوه بر آن که مصالح کشور را به خوبی تأمین می‌کند، بتواند به نظام اسلامی عالم کمک کند.
۷. مصالح و مفاسد را در دور و نزدیک ببیند. نه همش را بر مصالح دور متوقف کند نه همه را در مصالح نزدیک صرف کند؛ بلکه هر دو را با هم ببیند.

۸. در تصمیم‌گیری‌ها بدون مشورت اشخاص ذی‌صلاح کاری نکند و نسبت به کسانی که با او کار می‌کنند، مراقبت دقیق و عمیق داشته باشد، آن‌ها را بشناسد و به جزئیات سیاست خود آگاه باشد.

۹. به هیچ وجه تشویق و تهدید مناسب را از دست ندهد و نسبت به خادم و خائن هوشیار باشد.

۱۰. مقامات و مراتبی که از این راه به دست می‌آورد، باعث نشود شخصیت الهی‌اش از دست برود و همواره بداند که بنده خدا است و مسؤولیت الهی را بر همه چیز مقدم بدارد.



**حجت‌الاسلام محمد منتظری مقدم با بیش از ۱۴ سال سابقه تدریس در حوزه و افزون بر ۱۱ سال تدریس در دانشگاه تهران، صاحب کتاب درسی منطلق ۱ در حوزه علمیه و ده‌ها مقاله در نشریات کشور.**

## سکنداری مقتدر بیاید

می‌توان ویژگی‌های رئیس‌جمهور را از دو بعد مورد بررسی قرار داد: یکم از باب ویژگی‌های کلی، و دوم از باب ویژگی‌های مورد نیاز رئیس‌جمهور در این دوره.

در محور اول یک سری شرایط قانونی وجود دارد که بحث در مورد آن‌ها یک بحث حقوقی است و به لحاظ کبروی آن‌ها را قانون‌تعمین کرده و به لحاظ صغروی هم شورای نگهبان وجود آن‌ها را تأیید می‌کند. اما درباره سایر ویژگی‌ها به سه پارامتر اصلی می‌توان اشاره کرد: علم، وفاداری و قدرت.

منظور از علم، علم نظری و علم عملی است. علم نظری به: ۱. مبانی اسلام، ۲. مبانی توسعه، رشد و بالندگی، علم عملی یعنی دانایی و راه‌کارهای عملیاتی کردن مطلوب‌های دینی و آرمانی. البته هر دوی آن‌ها باید همراه با یک باور باشند. چون باور فراتر از آگاهی و بینش است. هستند کسانی که چه بسا در مقام عقل نظری دارای عقاید نسبتاً قابل قبولی هستند، اما به دلایل متعددی به گفته‌ها و مباحث نظری خود باور ندارند؛ ظاهراً انسانی دینی ولی حقیقتاً سکولارند. مراد من از قدرت، معنای اعم آن است، که شامل اقتدار هم می‌شود.

► **مقطع کنونی فقط مقطع حفظ و ترمیم نظام جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه دوران توسعه فراگیر و همه‌جانبه در راستای تأسیس عینی پایه‌های تمدن عظیم اسلامی به شمار می‌رود**

چه این که قدرت به معنای اخص، یعنی داشتن اهرم‌هایی برای اعمال فشار و وادار کردن یک مجموعه به تمکین، حال آن که اقتدار به معنای اخص یعنی برخورداری از یک نوع مقبولیت در مخاطبان به نحوی که عاملی دینامیکی افراد را به تمکین وامی‌دارد. شخصیتی می‌تواند در جایگاه سکندار قرار گیرد که علاوه بر قدرت به معنای اخص آن، اقتدار نیز داشته باشد. یعنی از یک‌نحوه مقبولیت عمومی نیز برخوردار باشد.

منظور من از وفاداری، وفاداری به اصول و نیز فروع است و منظور از اصول، اصول تعلیمات دینی در قلمرو انسان و رفتار بیرونی او (اخلاق) و انسان و حوزه اندیشه و باورداشت او (عقاید) و نیز اصول ارزش‌های پی‌ریزی شده توسط رهبر فقید انقلاب، امام خمینی‌می‌باشند که به برکت خون مقدس شهیدان متبلور و تابناک شده است. منظور از فروع هم رویه‌های عملی اسلامی و انقلابی است که توسط رهبری انقلاب اعمال شده است.

اما در بعد دوم باید گفت که مقطع کنونی فقط مقطع حفظ و ترمیم نظام جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه دوران توسعه فراگیر و همه‌جانبه در راستای تأسیس عینی پایه‌های تمدن عظیم اسلامی به شمار می‌رود و در همین راستا است که سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، تدوین و تعیین می‌شود. بنابر این کسی می‌تواند در مقطع کنونی مسؤولیت قوه مجریه را به عهده بگیرد که نه تنها وقوف کامل نظری بر این سند داشته باشد، بلکه سابقه زندگی فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، انقلابی و سایر سوابق وی بر علم،

وفاداری و قدرت او گواهی دهد. البته چتر لازم و ضروری حاکم بر آنچه گفته آمد، ایمان کامل، حقیقی و جدی به امام خمینی (ره) است؛ چه این که ایجاد تمدن عظیم اسلامی متناسب با وضعیت جهانی و روند حاکم بر آن، بدون امام خمینی، امری محال و ناشدنی است؛ امام خمینی با همه ابعاد متنوع و متعدد آن، چه در ساحت عمل و چه در ساحت نظر.

بی شک، رئیس جمهور علاوه بر آن که باید ویژگی های لازم برای مدیریت در کشور اسلامی را در سطح بالایی داشته باشد - که از جمله آن ها اعتقاد و التزام به ارزش ها و احکام اسلامی و قانون اساسی است - باید به عنوان رئیس قوه مجریه، مشکلات عملی را به خوبی بشناسد و بتواند از مناسب ترین راه کارها برای رفع مشکلات در چارچوب احکام اسلام و قانون کشور استفاده کند.



حجت الاسلام دکتر محمدرضا یوسفی، عضو هیأت علمی دانشگاه، استاد و پژوهشگر اقتصاد نظری، صاحب کتاب کلیات علم اقتصاد و بیش از بیست مقاله در نشریات گوناگون.

## آقازاده ها، قاجاق و بیکاری؛ دست اندازهایی برای رئیس جمهور بعدی

ما در سال های اخیر دارای نرخ رشد اقتصادی بالایی بوده ایم. همراه با آن، ذخایر ارزشمندی افزایش یافته و بهبود وضعیت رفاهی مردم را به طور متوسط در اقتصاد شاهد بوده ایم. آنچه در این فرایند رشد اهمیت دارد، تغییرات ساختارهای اقتصاد است. چون اگر ساختارهای اقتصاد تحول پیدا نکرده باشند، به طور طبیعی این رشد پایدار نخواهد بود. البته ما تا اندازه ای شاهد این تحول هستیم.

به عنوان مثال در اوایل سال های پس از جنگ، در برنامه اول، صادرات غیرنفتی عمدتاً کالاهای سنتی نظیر پسته، فرش و... بود که این ها نشان دهنده تحول صنعتی

## وقتی در آمد مجانی نفت در اختیار دولت مردانی قرار می گیرد که با تلاش و زحمت به آن نرسیده اند، افراد سوسه می شوند که از روش های مختلف به آن دسترسی پیدا کنند



جامعه نیستند؛ ولی امروز بیش تر از یک میلیارد دلار صادرات بخش فرآورده های پتروشیمی و بیش از یک میلیارد دلار صادرات خدمات نفتی داریم و این برای اقتصاد علامت مثبتی است. آنچه در مجموع، نگران کننده است، این است که آیا همه لوازمی که ما را به رشد پایدار می رساند، تحقق یافته، یا خیر. به طور مشخص می توان گفت هنوز هم نفت عامل تعیین کننده در رشد اقتصاد ما است، بنابراین باید به ساختار اقتصادی مان توجه کرد و از تکیه اقتصاد بر نفت کاست و این یک رویکرد ضروری برای شخص رئیس جمهور یا گروه همکارانش است. به طور طبیعی اقتصاد نفتی چند پیامد داشت:

۱. اقتصاد دولتی: اقتصاد ما برخلاف بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، متکی به دولت است و چون دولت از درآمد نفتی برخوردار بود، نظام درآمدی خود را بر مالیات که درآمد غالب دولت ها است، استوار نکرد. تکیه بر نظام مالیاتی صحیح، باعث پاسخ گو بودن مردم به دولت می شود. از سوی دیگر، چون شهروندان با پرداخت مالیات انتظار بیشتری از دولت دارند، دولت هم باید پاسخگو باشد.

۲. رانت خواری: رانت خواری یعنی افراد بدون این که زحمتی بکشند، درآمدی به دست آورند و یا به عبارتی با حداقل کار ممکن، درآمد نامتناسب کسب کنند. وقتی درآمد مجانی نفت در اختیار دولت مردانی

قرار می گیرد که با تلاش و زحمت به آن نرسیده اند، افراد سوسه می شوند که از روش های مختلف به آن دسترسی پیدا کنند.

مشکل دیگر اقتصاد ما بیکاری است. متأسفانه نرخ بیکاری امروز ما در مقایسه با دوران گذشته افزایش یافته و ترکیب بیکاران ما نیز متفاوت از گذشته است. به عنوان مثال، نشریه Meed (نشریه تحقیقات اقتصادی خاورمیانه) برای وضعیت بیکاری در جامعه ماچنین ویژگی هایی را بیان کرده است:

۱. نرخ بیکاری جوانان ۳۴ درصد، که با وجود روند کنونی تا دو سال آینده به ۵۲ درصد می رسد.

۲. افزایش مدت زمان بیکاری در جامعه ما. طبق تحقیقات، ۷۰ درصد بیکاران ما حدود دو سال بیکارند.

۳. نرخ بالای بیکاری زنان. به دلیل افزایش تحصیلات زنان، نرخ مشارکت آن ها بالا است و به طور طبیعی باید برایشان اشتغال ایجاد کرد.

نکته بعد، صادرات غیر نفتی است. گرچه در این چند سال اخیر توانسته ایم در ساختار صادرات غیر نفتی تغییراتی ایجاد کنیم، ولی باز هم باید با نگرشی به سمت بیرون این کار را انجام دهیم. عامل اصلی فیزیکی برای رشد اقتصادی، سرمایه گذاری است. سرمایه گذاری فرار و پرنوسان است. بنابراین هر چه فضای سیاسی و اجتماعی همراه با نااطمینانی باشد، رشد اقتصادی با مخاطره همراه خواهد بود. ایجاد فضای اطمینان و ثبات برای سرمایه گذاری در کشور یک الزام قوی است.

محور بعد، انضباط مالی است. وجود انضباط مالی و پولی در اقتصاد کشور می تواند رشد همراه با ثبات را برای اقتصاد ما فراهم آورد و ساختار ناسالم اقتصاد را اصلاح کند. تا زمانی که ما چنین انضباط مالی را انجام نداده باشیم و تسهیلات تکلیفی در نظام بانکی ما وجود داشته باشد و با روش های مختلفی حقوق حقه سپرده گذاران نادیده گرفته شود و از طرفی ساختار بودجه ریزی کشورمان نیز اصلاح نگردد، انضباط پولی و مالی تحقق نخواهد یافت و این در حالی است که از دهه ۱۹۸۰ به این سمت، تکیه بسیاری از کشورها بر اصلاح ساختار اقتصادی خود با تأکید بر انضباط پولی و مالی بوده است. امروزه نتایج دو دهه تلاش برای ایجاد انضباط

پولی و مالی در این کشورها رشد اقتصادی مستمر، افزایش رفاه برای جامعه و کاهش نرخ بیکاری و تورم می‌باشد.

آخرین سخن، درباره اقتصاد سیاسی در کشور است. منظور از اقتصاد سیاسی، تأثیر عوامل سیاست بر تخصیص منابع است. تأثیرگذاری یعنی این که اقتصاد از مسیر خود فاصله گرفته و تخصیص منابع بر اساس متغیرهای صحیح اقتصادی شکل نمی‌گیرد. هنگامی که به سخنان برخی از مسؤولان کشور مراجعه می‌کنیم، می‌توانیم نشانه‌هایی از این وضعیت را در اقتصاد ببینیم. امروزه پدیده‌ای به نام آقازاده‌ها و پدیده‌ای به نام قاچاق در اقتصاد جدی است. چندی پیش رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کشور اعلام کرد: ۹۰ درصد اسکله‌های موجود، فاقد مجوز بهره برداری هستند. بنابر این ما بر این اسکله‌ها و کیفیت وارداتشان هیچ نظارت و تسلطی نداریم! این نکته می‌تواند برای اقتصاد ناسالم ما یک خطر جدی باشد و به تولید ضرر برساند.

یکی از نمایندگان مجلس هفتم اعلام کرد که ۳۹ درصد از واردات بنزین در سال به جیب قاچاقچیان خواهد رفت. وزیر اطلاعات هم اعلام کرد که روزانه ۴ تا ۶ میلیون لیتر بنزین از مرزهای کشور قاچاق می‌شود و اگر ما بدانیم که روزانه ۲۵ میلیون لیتر واردات بنزین داریم که ارزش کل آن‌ها ۲/۵ میلیارد دلار است، ارزش این سخن را بهتر درک می‌کنیم. در نهایت این که برآورد خسارت قاچاق برای کل کشور به طور تخمینی ۶ میلیارد دلار است. با این میزان قاچاق، سالانه ۶۰۰ هزار فرصت شغلی از بین می‌رود.

با توجه به نکات یاد شده به نظر می‌رسد رویکرد اقتصادی رئیس‌جمهور آینده باید توجه به تغییرات ساختار اقتصادی جامعه، کاهش نرخ بیکاری، کاهش و یا حذف رانت‌خواری، کاهش حجم دولت، ایجاد فضای اطمینان برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، ایجاد انضباط مالی و پولی در اقتصاد، تلاش در جهت افزایش صادرات غیر نفتی و مبارزه با پدیده قاچاق و زمینه‌های سوء استفاده باشد. بدون شک سابقه کاندیدا و شناخت مردم از توانایی‌های او و برنامه‌های اقتصادی‌اش و تیمی که قرار است با وی همکاری کنند، می‌تواند نشان‌دهنده این ویژگی باشد.



►► **رئیس‌جمهور باید با کشور تحت مدیریت خود، علقه عمیق سیاسی و معنوی که تابعیت نام دارد، داشته باشد تا به طور شایسته از آن پاسداری کند**



دکتر ناصر قربان‌نیا، عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه، استاد و پژوهشگر در حقوق بین‌الملل، صاحب کتاب‌هایی چون: اخلاق و حقوق بین‌الملل، عدالت حقوقی، ترجمه حقوق جزای اسلامی و ده‌ها مقاله در نشریات علمی.

## بینید عدالت و دین، دغدغه اصلی چه کسی است؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل یکصد و پانزدهم، شرایط داوطلبان ریاست جمهوری را به این ترتیب بیان کرده است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

۱. فارغ از شرط ذکوریت که محل اختلاف و مورد گفت‌وگو است (هر چند شورای نگهبان به عنوان مفسر رسمی قانون اساسی در مقام قانونی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و احراز صلاحیت داوطلبان، تاکنون صلاحیت هیچ زنی را تأیید نکرده است) در ضرورت وجود سایر شرایط هیچ گونه تردید و اختلافی نیست.

۲. قانون اساسی دو شرط تابعیت و ایرانی‌الاصل بودن را همزمان لازم دیده است. پرواضح است که رئیس‌جمهور باید با کشور تحت مدیریت خود، علقه عمیق سیاسی و معنوی که تابعیت نام دارد، داشته باشد تا به طور شایسته از آن پاسداری کند، در توسعه آن بکوشد و استقلال و تمامیت ارضی آن را و جهت همت خود قرار دهد. تابعیت برای رئیس‌جمهور به تنهایی کافی نیست. ایرانی‌الاصل کسی نیست که داوای تابعیت اصلی، در مقابل تابعیت اکتسابی باشد و الا مقنن اساسی از واژه «تبعه اصلی» استفاده می‌نمود. کسی را که پدرش تابعیت اصلی ایران را دارد، می‌توان ایرانی‌الاصل دانست.

۳. رئیس‌جمهور باید مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور باشد. این شرط نیز با توجه به این که اکثریت مردم کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند و مذهب رسمی کشور شیعه جعفری است و قوانین قابل اجرا در جمهوری اسلامی باید مطابق (غیر مغایر) با موازین شرع باشد، غیر قابل انکار است.

۴. برخورداری از شخصیت سیاسی -

مذهبی

۵. بهره‌مندی از حسن سابقه، امانت و تقوا

۶. مدیریت و تدبیر؛ شاید بتوان این شرط را از مهم‌ترین شرایط رئیس‌جمهور دانست. یک شخصیت سیاسی، مذهبی دارای حسن سابقه، امانت و تقوا اگر دارای مدیریت و تدبیر شایسته نباشد، اداره امور کشور که امروزه از پیچیدگی خاصی برخوردار است، برای او امکان‌پذیر نیست. مدیریت، خلاقیت در برنامه‌ریزی، درایت و تدبیر، قدرت درک عمیق اوضاع داخلی و محیط پیرامونی کشور و توانایی در بیرون بردن کشور از بحران‌های داخلی و بین‌المللی، بلکه پیشگیری از ورود کشور به بحران، بی‌تردید از شرایط یک رئیس‌جمهور موفق و مناسب است.

رئیس‌جمهوری که دارای این شرایط است، باید به مفاد و سوگندی که یاد می‌کند وفادار باشد و پاسدار قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور باشد. رئیس‌جمهور پس از رهبر بالاترین مقام رسمی کشور به شمار می‌رود که مجری قانون اساسی نیز هست. باید همه استعدادها و خلاقیت‌ها را برای اجرای قانون اساسی، خدمت به مردم و اعتلا و توسعه کشور



## مردی متناسب بانسل امروز برگزینید!

قبل از آن که به شرایط و ویژگی‌های رئیس‌جمهور پردازیم، باید متناسب با ارتباط حکم و موضوع ابتدا به شناختی از کار ویژه‌های ریاست‌جمهور نائل شویم تا متناسب با آن، بتوانیم ویژگی‌هایش را فهرست کنیم.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل ششم و اصول ۱۱۳ تا ۱۳۴ مربوط به ریاست‌جمهوری و قوه مجریه است.

به طور کلی نظام‌ها در دنیا به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: یا ریاستی‌اند، مانند ایالات متحده آمریکا، یا پارلمانی‌اند، مانند ترکیه و عراق کنونی و یا نیمه‌ریاستی (نیمه پارلمانی) مانند ایران و فرانسه. یعنی مردم هم رئیس‌جمهور را برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌کنند و هم نمایندگان مجلس را و تعادل بین این دو قوه در رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور جلوه‌گر می‌شود. رئیس‌جمهور در قانون اساسی در سه بستر دارای وظایف، اختیارات و مسؤلیت می‌باشد. اختیارات او به گونه‌ای است که اگر هر رئیس‌جمهوری این سه اختیار اصلی را داشته باشد، می‌تواند با همین سه، حوزه نفوذش را در تمام امور کشور بگستراند.

رئیس‌جمهور حق تقدیم لوائح به مجلس، معرفی وزیران و تقدیم لایحه بودجه را دارد. این سه حق در واقع نوعی مدیریت اجرایی و رهبری اداری کارمندان و مأموران اجرایی دولت به شمار می‌آید. همین اختیارات است که باعث می‌شود بالاترین مقام اجرایی کشور محسوب شود و حتی به واسطه وظایف قوه مجریه در کارآمدی نظام و بهره‌وری، مقام اول را داشته باشد. از طرفی وظایفی را هم به عهده دارد که به اجمال عبارتند از: اجرای قانون اساسی و نظارت بر حسن جریان امور، نظارت بر جریان دستگاه اجرایی کشور، امضای مصوبات قوه مقننه یا نتیجه همه‌پرسی، امضای عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها و پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی. همچنین مسؤلیت اقدامات هیأت وزیران را در برابر مجلس به عهده دارد. بر مبنای آن چه ذکر شد،

ویژگی‌های اصلی برای انتخاب یک رئیس‌جمهور را می‌توانیم در دو مقوله بررسی کنیم: ۱. ویژگی‌های شکلی ۲. ویژگی‌های صلاحیتی.

ویژگی‌های شکلی یعنی رَجُل سیاسی، مذهبی، مدیر و مدبر، متقی و با عدالت باشد که توسط شورای نگهبان این ویژگی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. آن چه حائز اهمیت است، ویژگی‌های صلاحیتی است. در واقع رئیس‌جمهور در ایران به وسیله انتخابات تعیین می‌گردد و انتخابات باعث می‌شود تا مسیر حرکت توسط مردم برای رئیس‌جمهور معین شود. از طرفی انتخابات، ایجاد اقتدار برای رئیس‌جمهور را به دنبال دارد. بر این مبنا می‌توان ویژگی‌های صلاحیتی رئیس‌جمهور را این گونه برشمرد:

۱. متناسب با نسل و فضای فکری نسل خود باشد.

۲. شناخت کافی از جامعه داشته باشد، چون مقدمه اجرا، شناخت است؛ شناخت از حوزه‌های سیاست خارجی، فضای بین‌المللی، سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی کشور.

۳. برخورداری از قدرت در اندیشه، اقتدار در اجرا، منطق در رفتار و مهم‌تر از همه اراده تحول برای اجرای قانون اساسی به منزله نماد وفاق‌ها و خرد جمعی.

۴. دانش‌محور و داشتن روحیه سعه‌صدر و تحمل شنیدن انتقاد.

چنین به ذهن می‌رسد که اولویت‌های کشور برای رئیس‌جمهور آینده بر مبنای اصل «گذشته، چراغ راه آینده است» و این سیر خلاصه شود؛ جمهوری اسلامی ایران یک دوره هشت ساله دولت سازندگی را تجربه کرد و یک دوره هشت ساله دولت جامعه مدنی‌را پشت سر گذاشت. رئیس‌جمهور آینده اگر بر مبنای برنامه محوری بتواند بر جایگاه ریاست‌جمهوری تکیه بزند، بعد از این، احزاب و افراد نمی‌توانند موج سواری کنند، بلکه گروه‌ها می‌توانند ضمن به دوش کشیدن مسؤلیت‌های واقعی خود، تعلق خاطر مردم را به خود و نامزد معرفی شده را نیز به صورت یکجا بسنجند.

در نهایت اگر بخواهیم شعاری را برای این دوره ریاست‌جمهوری به عنوان اولویت کاری بیان کنیم، این شعار مناسب است: «عدالت اجتماعی و رفع تبعیض و فساد برای بهتر شدن معیشت مردم».

▶▶ رئیس‌جمهور باید با مردم شفاف باشد، با آن‌ها صادقانه رفتار کند، هم به شایسته‌سالاری باور داشته باشد، هم به آن عمل کند و ملاک او در انتخاب همکاران، توانمندی، کارآمدی و شایستگی آنان باشد

به کار گیرد. رئیس‌جمهور باید به حفظ گسترش اخلاق، فرهنگ و ارزش‌های دینی اهتمام داشته باشد و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت را سرلوحه اهداف و برنامه‌های خود قرار دهد.

پرهیز از خودکامگی، حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق ملت، امر دیگری است که رئیس‌جمهور بر آن سوگند یاد می‌کند؛ چنان که متعهد است حرمت مقام ریاست‌جمهوری را پاس دارد و از هیچ گونه اقدامی برای حراست از مرزها و استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور دریغ نرورد.

افزون بر این‌ها رئیس‌جمهور باید با مردم شفاف باشد، با آن‌ها صادقانه رفتار کند، هم به شایسته‌سالاری باور داشته باشد، هم به آن عمل کند و ملاک او در انتخاب همکاران، توانمندی، کارآمدی و شایستگی آنان باشد.



دکتر احمد یخشایش اردستانی، عضو هیأت علمی دانشگاه، استاد و پژوهشگر علوم سیاسی، صاحب کتاب‌هایی چون: اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی، نظام‌های سیاسی مقایسه‌ای و نیز ده‌ها مقاله در نشریات علمی